

تاریخ وصول: ۱۳۹۲/۱۱/۱۵

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۳/۰۲/۰۸

اصول دادرسی عادلانه در پرتو اندیشه اسلامی و نظام حقوق داخلی

۹

دو فصلنامه مطالعات
حقوق بشر اسلامی

علی بهادری جهرمی و همکار
اصول دادرسی عادلانه در پرتو اندیشه اسلامی و نظام حقوق داخلی

علی بهادری جهرمی^{۱*}

سیده لطیفه حسینی^۲

۱. دکتری حقوق عمومی پردیس فارابی دانشگاه تهران، قم، قم، ایران.
۲. دکترای حقوق بین الملل از دانشگاه شهید بهشتی، پژوهشگر و مدرس دانشگاه، تهران، تهران، ایران.

چکیده

دادرسی عادلانه یا منصفانه به معنای تضمینات کلی است که جهت رعایت حقوق طرفین در فرآیند دادرسی انواع دعاوی نزد دادگاهی صلاحیت‌دار، مستقل، بی‌طرف و قابل پیش‌بینی در مکانیزم قضایی پیش‌بینی شده است. دولت‌ها به شیوه‌های مختلف از جمله قانون‌گذاری و پیش‌بینی مکانیزم اجرایی مؤثر، به تضمین حق دادرسی عادلانه برای افراد متعهد هستند. متعالی‌ترین و موکدترین تعبیرها در این زمینه در تعالیم و آموزه‌های دین مبین اسلام یافت می‌شود. اسلام همواره فریاد برپایی قسط و عدل، احقاق حقوق مظلوم، استقرار صلح و آرامش و داوری و قضاوت عادلانه را سر داده است. نظام جمهوری اسلامی ایران نیز با تاسی از دین مبین اسلام در صدد شناسایی و تضمین انواع دادرسی عادلانه برآمده است.

واژگان کلیدی: دادرسی عادلانه، انواع دادرسی عادلانه، مبانی اسلامی، مبانی حقوقی، نظام حقوقی ایران.

دادرسی عادلانه به معنای تضمینات کلی است که جهت رعایت حقوق طرفین در فرآیند دادرسی انواع دعاوی نزد دادگاهی صلاحیت‌دار، مستقل، بی‌طرف و قابل پیش‌بینی در مکانیزم قضایی پیش‌بینی شده است. این تضمینات در صورت تحقق، سبب محدودیت اقتدار دولت در قبال افراد و در نتیجه صیانت مناسب‌تر از حقوق افراد است. ادیان الهی به ویژه اسلام در طول تاریخ منادی اصول دادرسی عادلانه از جمله استقلال و بی‌طرفی قاضی، نظارت بر حسن انجام دادرسی، اصل قانونی بودن جرایم و مجازات (قبح عقاب بلا بیان)، اصل اباحه، اصل مساوات، اصل علنی بودن دادرسی، اصل برائت، اصل تفسیر به نفع صاحب حق و مواردی از این دست بوده‌اند. این در حالی است که اصطلاح دادرسی عادلانه به عنوان حق بشری از دو قرن پیش به نظام‌های موضوعه راه یافته است. اسناد جهانی و منطقه‌ای حقوق بشر نظیر اعلامیه جهانی حقوق بشر مصوب ۱۹۴۸ و میثاق بین‌المللی مدنی و سیاسی (ماده ۱۴) حق دادرسی عادلانه را به رسمیت شناخته‌اند و دولت‌ها مکلف را به اجرا و تضمین این حق برای تمام افراد نموده‌اند.

در این مجال ضمن مفهوم‌شناسی دادرسی عادلانه و بررسی سیر تحول تاریخی آن، مبانی اسلامی دادرسی عادلانه و نگاه اندیشه اسلامی به اصول مختلف آن مورد بررسی قرار گرفته و در نهایت وضعیت دادرسی عادلانه در نظام حقوقی ایران مد نظر خواهد بود.

۱. مفهوم شناسی

دادرسی عادلانه وصف ترکیبی است که برای ارائه تعریف دقیق از آن، واکاوی هر جزء آن مفید به نظر می‌رسد. دادرسی به معنای «رسیدگی و تصمیم‌گیری قضایی درباره موضوعات میان طرفین دعوا، چه امور حکمی و چه موضوعی، در دادگاهی صلاحیت‌دار» یا «رسیدگی قضایی به امور موضوعی و حکمی میان طرفین، در دعوی کیفری یا مدنی، نزد دادگاهی صلاحیت‌دار» (فضائلی، ۱۳۸۹: ۴۷) به کار رفته است. مفهوم عادلانه نیز به عنوان جزء دوم وصف ترکیبی دادرسی عادلانه در لغت به معنای «رفتار برابر و مطابق با قواعد و حقوق با هر شخص یا طرف» یا به معنای «معقول و عادلانه یا متناسب با شرایط» است، لیکن در ادبیات قضایی و در لسان حقوقی به معنای دارا بودن وصف بی‌طرفی و درستی، عدم تعقیب و جانبداری و نفع شخصی، عادلانه، منصفانه و برابری میان طرفین دعوا به کار برده شده است. (فضائلی، ۱۳۸۹: ۵۰)

به طور کلی دادرسی عادلانه شامل مجموعه معیارها و تضمیناتی است که جهت رعایت

حقوق طرفین در فرآیند دادرسی انواع دعاوی نزد دادگاهی صلاحیت‌دار، مستقل، بی طرف و قابل پیش‌بینی در مکانیزم قضایی پیش‌بینی شده است. (رستمی، ۱۳۸۹: ۸۹)

۲. تاریخچه

قانون حمورابی از جمله رگه‌های تاریخی دوران باستان در خصوص حمایت از افراد در برابر اذیت و آزار و مجازات خودسرانه تلقی می‌گردد. در دوران یونان و روم باستان نیز اعدام افراد بدون محکومیت و مجازات بدون محاکمه خلاف عدالت به شمار می‌رفت (فضائلی، ۱۳۸۹: ۹۶) دادرسی و محاکمه مبتنی بر عدالت از اهداف ادیان مختلف نیز بوده است و ادیان مختلف از جمله یهود و مسیحیت بر قضاوت، دادرسی و محاکمه عادلانه و منصفانه تأکید کرده‌اند. (فضائلی، ۱۳۸۹: ۱۰۴-۹۸) در این راستا متعالی‌ترین و موکدترین تعبیرها در تعالیم و آموزه‌های دین مبین اسلام یافت می‌شود. اسلام همواره فریاد برپایی قسط و عدل، احقاق حقوق مظلوم، استقرار صلح و آرامش و داوری و قضاوت عادلانه را سر داده است. مهم‌ترین اصول دادرسی عادلانه از جمله استقلال و بی‌طرفی قاضی، نظارت بر حسن انجام دادرسی، اصل قانونی بودن جرایم و مجازات (قبح عقاب بلا بیان)، اصل اباحه، اصل مساوات، اصل علنی بودن دادرسی، اصل برائت، اصل تفسیر به نفع صاحب حق و ... از شریعت قابل استنباط است. (فضائلی، ۱۳۸۹: ۶-۱۰۵)

در غرب در نظام‌های قضایی برخی کشورها از جمله آلمان تا قرن چهاردهم میلادی اعمال شیوه اوردالی رایج بوده است. اوردالی مجازات نبود بلکه آیین دادرسی بود که به اثبات جرم یا برائت منجر می‌شد. همچنین در فرانسه قبل از انقلاب کبیر ۱۷۸۹ شکنجه متهمان برای اخذ اقرار، عادی و قانونی بود و در آن دوران نظام تفتیش با خصوصیات غیرعلنی بودن، غیرترافیعی بودن که امکان و فرصت دفاع برای متهم میسر نبود، حاکم بود. (رستمی و دیگران، ۱۳۸۸: ۷)

در اواخر قرون وسطا و بعد از ظهور رنسانس، تأکید بر فرد قوت گرفت و شناسایی حقوق وی از جمله دادرسی عادلانه، وجهه بین‌المللی به خود گرفت. منشور کبیر ۱۲۱۵ انگلستان، اعلامیه حقوق ۱۶۸۸ انگلیس، اعلامیه حقوق بشر و شهروند فرانسه ۱۷۸۹ از جمله اسناد ابتدایی در جامعه بین‌المللی در جهت شناسایی حق دادرسی عادلانه با تعبیر آزادی و امنیت قضایی و ممنوعیت بازداشت خودسرانه به شمار می‌روند. (رستمی و دیگران، ۱۳۸۸: ۹۰) به همین ترتیب در قرن بیستم که جامعه بین‌المللی شاهد تصویب کنوانسیون‌های بین‌المللی در حوزه حقوق بشر بود؛ لزوم رعایت و شناسایی حق دادرسی

عادلانه رنگ دیگری به خود گرفت. اعلامیه جهانی حقوق بشر (مواد ۳، ۹، ۱۰ و ۱۱) و میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی (مواد ۱۴ و ۱۵) که هر دو به ابتکار سازمان ملل در سال ۱۹۶۶ تصویب شدند بر وجود اصول دادرسی عادلانه از جمله منع بازداشت خودسرانه، تفهیم اتهام، رسیدگی در مراجع بی‌طرف و مستقل تأکید کردند و دولت‌ها به رعایت این اصول متعهد گردیدند. همزمان حق دادرسی عادلانه در اسناد منطقه‌ای حقوق بشر نیز بازتاب چشمگیری داشته است؛ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر (مواد ۵ و ۶)، کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر (مواد ۷ و ۸) و منشور آفریقایی حقوق بشر و ملت‌ها (مواد ۶، ۷، ۲۶) از این اصول حمایت کرده‌اند. (مجموعه اسناد بین‌المللی حقوق بشر، ۱۳۸۶) برخی اسناد دیگر از جمله اصول بنیادین استقلال قضایی مصوب ۱۹۸۵، اصول بنیادین رفتار با زندانیان مصوب ۱۹۹۰، اصول بنیادین مربوط به کاربرد زور و اسلحه توسط مامورین اجرای احکام مصوب ۱۹۹۰ نیز اصول دادرسی عادلانه را مورد تأکید قرار داده‌اند. (رستمی و دیگران، ۱۳۸۸: ۱۲)

۳. مبانی اسلامی دادرسی عادلانه

عدالت و برابری از پایه‌های اصلی دین مبین اسلام‌اند که می‌توان آنها را به عنوان مبانی برخورداری افراد از حقوق مربوط به دادرسی عادلانه دانست که در این قسمت به آن می‌پردازیم.

۳-۱. عدالت

عدالت یکی از پایه‌های اصلی اسلام است. بنابر دستورات اسلام با هیچ‌کس نباید برخلاف عدالت و شئون انسانیت رفتار کرد و نسبت به هیچ فردی نباید ظلم و تعدی نمود. همچنین قضاوت بین مردم باید براساس عدالت، حق، انصاف و وجدان باشد. این دستور شامل عدالت اجتماعی و حکومت و قضاوت و حکمیت و همچنین اصول مربوط به دادرسی است. تظلم‌خواهی در اسلام مورد تأکید قرار گرفته است و رعایت عدالت و بی‌طرفی در قضاوت میان مردم لازم است. (تابنده، ۱۳۸۰: ۱۷۷) مفهوم عدالت در انواع دادرسی‌ها عینیت می‌یابد؛ تا آن‌جا که مفهوم عدالت با اصول حاکم بر دادرسی عجین شده و صفت آن گردیده است. در منابع دینی اسلام راجع به عدالت بسیار سخن رفته است. در آیات بسیاری واژه عدل به عنوان یکی از ارزش‌های اسلام، مورد تأکید قرار گرفته است، با این تعبیر که «همانا خداوند به عدالت و نیکی فرمان می‌دهد»^۱ یا «هرگاه بین مردم داوری کردید به عدالت داوری کنید»^۲ یا «عدالت پیشه کنید که عدالت به پرهیزکاری

نزدیک‌تر است»^۳. در برخی دیگر از آیات، قسط به عنوان ارزش اسلامی و هدف بعثت انبیاء ذکر شده است.^۴ (میرموسوی و حقیقت، ۱۳۹۱: ۲۶۳)

مفهوم عدالت در اسلام را می‌توان در روایات نیز مشاهده کرد. امام صادق علیه السلام می‌فرماید «اگر در میان مردم به عدالت رفتار شود، همه بی‌نیاز می‌گردند». (میرموسوی و حقیقت، ۱۳۹۱: ۲۶۳) حضرت علی علیه‌السلام فرمودند «به عدل و انصاف رفتار کنید، به مردم درباره خودتان حق دهید، پر حوصله باشید و در برآوردن حاجات مردم تنگ‌حوصلگی نکنید که شما نمایندگان ملت و سفیران حکومتید» (مطهری، ۱۳۸۰: ۷۱۱) عدالت یکی از مهم‌ترین مبانی حقوقی است (جوادی آملی، ۱۳۷۵: ۱۶) و مانند بسیاری از مفاهیم ارزشی دیگر برگرفته شده از جهان آفرینش است و بر نظام حقوقی و وضع قوانین در حوزه دادرسی سیطره دارد. عدالت با مصادیق خود عینیت می‌یابد. شناسایی اصول دادرسی از جمله اصل برائت، تظلم خواهی، دسترسی به داور بی‌طرف و رعایت مساوات میان طرفین اختلاف از جمله اصولی است که عدالت وجود آن‌ها را اقتضاء می‌کند. (جوادی آملی، ۱۳۷۵: ۱۹۹) به این ترتیب کلیه روابط اجتماعی از جمله وضع قوانین باید بر عدالت مبتنی باشد. (دری نجف‌آبادی، ۱۳۹۰: ۱۱۷)

۲-۳. برابری

اسلام منادی برابری انسان‌ها در ماهیت انسانی است. چنان‌که قرآن کریم می‌فرماید: «ای مردم! از پروردگارتان که شما را از یک تن آفرید و همسر او را از او آفرید، بترسید».^۵ همه انسان‌ها در ماهیت انسانی اشتراک دارند و این برابری در انسانیت و لوازم آن می‌باشد. (مصباح یزدی، ۱۳۸۸: ۱۸۲) همچنین میان انسان‌ها نباید هیچ تبعیض ناروا و ظالمانه‌ای وجود داشته باشد. در طول تاریخ و در دوران شرک، اسلام رفتار ظالمانه و تبعیض‌آمیز میان زنان را به شدت نکوهش کرد. (مصباح یزدی، ۱۳۸۸: ۱۸۳) به فراخور این رویکرد، انسان‌ها در مقابل قوانین برابر بوده و در شرایط برابر، از حقوق و تکالیف مشترک برخوردارند. همین برابری اقتضاء می‌کند انسان‌ها صرفنظر از جنسیت، نژاد، قومیت و مذهب امکان دستیابی به لوازم دادرسی عادلانه را داشته باشند.^۶ «انسان‌ها مثل دانه‌های شانه با هم برابرند» نمونه بارز این برابری، برابری افراد در مقابل قانون است و امتیاز انسان‌ها در سایه تقوی نزد خدا معنا می‌یابد. (دری نجف‌آبادی، ۱۳۹۰: ۱۱۸) به این ترتیب اسلام بر مساوی بودن همگان در حیثیت انسانی تأکید کرده است و نابرابری‌های طبیعی یا اکتسابی موجب محرومیت کسی از حقوق اولیه انسانی خویش نمی‌شود. (میرموسوی و حقیقت، ۱۳۹۱: ۲۵۸)

۴. اصول دادرسی عادلانه و نگاه اسلام به این اصول

دادرسی عادلانه شامل مصادیق متعددی است که هر فردی در فرآیند دادرسی اعم از کیفری و مدنی از آن برخوردار است. برخی از مصادیق دادرسی عادلانه از جمله حق دادخواهی، دسترسی به دادگاه‌های بی‌طرف و مستقل و ... عمومیت دارند و در انواع دعاوی مدنی و کیفری قابل اعمال می‌باشند و برخی دیگر از جمله اصل برائت، تفهیم اتهام و ... ناظر بر دعاوی کیفری می‌باشند. در این قسمت نیز به تضمینات عمومی و تضمینات ناظر بر دعاوی کیفری به عنوان اصول دادرسی عادلانه می‌پردازیم.

۴-۱. تضمینات عمومی

تضمینات عمومی شامل حق دادخواهی، استقلال و بی‌طرفی مرجع رسیدگی، برابری امکانات دفاع، برخورداری از تسهیلات و مهلت کافی دفاع، حق رسیدگی حضوری، حق تجدیدنظر خواهی، حق رسیدگی علنی، حق رسیدگی در مهلت معقول و اصل تقابل یا تناظر است.

۴-۱-۱. حق دادخواهی

وجود حق دادخواهی اقتضاء می‌کند که هر فردی بتواند در زمانی که حق قانونی وی تضییع گردید به مرجعی صالح دسترسی داشته باشد و تظلم خواهی نماید. مبنای وجود چنین حقی، اصل تساوی همگان در برابر قانون است که امکان دسترسی مساوی به دادگاه قانونی و صالح را نیز فراهم می‌کند. (عباسی، ۱۳۹۰: ۲۲۶) به این ترتیب هیچ‌گونه تبعیضی براساس رنگ، جنس، نژاد، مذهب در دسترسی به دادگاه و مرجع رسیدگی قابل قبول نیست. (ماده ۱۰ اعلامیه جهانی حقوق بشر) همچنین به موجب بند ۱ ماده ۱۴ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی حق دادخواهی به عنوان حق مسلم به مسلم به رسمیت شناخته شده است و در مقابل دولت متعهد است کلیه امکانات و تسهیلات لازم و در اجرای حق مذکور را فراهم کند و امکان دادخواهی و تظلم خواهی برای همه وجود داشته باشد. (هاشمی، ۱۳۸۴: ۲۲۴) لازمه اجرایی شدن این حق وجود دادگاه‌های صالح به منظور ایجاد امکان دسترسی و همچنین عدم وجود مانعی در مراجعه به دادگاه برای همگان است. همچنین در اسلام دادستاندن از وظایف و اختیارات قاضی محسوب می‌گردد. قاضی باید حقوق کسی را که حق وی مورد تجاوز قرار گرفته، پس از آن‌که حق وی به وسیله ادله اثبات دعوی به اثبات برسد، بازپس گیرد. (منتظری، ۱۳۷۹: ۳۱۵) همچنین در عهدنامه حضرت علی علیه السلام به مالک اشتر آمده است «به امر قضاوت بین مردم نظر

کن، مانند کسی که به منزلت حکم و قضاوت نزد خدا عارف است. حکم و قضاوت، معیار و میزان عدالت خداوند است که در زمین به منظور احقاق حق منصفانه مظلوم از ظالم و گرفتن حق ضعیف از قوی و برپایی حدود خدا بر اساس سنت و روش الهی وضع شده است.^۷ (نهج البلاغه، نامه پنجاه دوم)^۸ همان طور که مشخص است در نامه حضرت علی علیه السلام، تأکید ایشان به احقاق حق مظلوم بیانگر شناسایی حق دادخواهی در اسلام به شمار می‌رود. لازم به ذکر است که از نگاه اسلام استماع دعوی دارای شرایطی است. معلوم بودن دعوا، طرح توأم با جزم و بدون تردید دعوا، بالغ و عاقل بودن مدعی، محجور نبودن مدعی و ذی نفع بودن مدعی از جمله شرایط لازم برای دادخواهی محسوب می‌گردد. (محمدی گیلانی، ۱۳۶۲: ۹۶)

۴-۱-۲. استقلال و بی طرفی مرجع رسیدگی

استقلال به معنای مصونیت از نفوذ و کنترل سیاسی و اجرایی است و شامل استقلال دادگاه به لحاظ ساختاری و اعمال صلاحیت و استقلال قاضی در مرحله انتصاب و در مقام انجام وظیفه است. بی طرفی نیز به معنای عدم پیش داوری یا جانبداری از یک طرف دعوا، حزب، گروه یا قوم خاص است و به عبارت دیگر قضاوت و هیات منصفه نفع یا بهره شخصی در پرونده خاص نداشته باشند و فارغ از پیش فرض به موضوع رسیدگی کنند. (رستمی و دیگران، ۱۳۸۸: ۹۲) به منظور تأمین حقوق افراد در حوزه دادرسی عادلانه باید نهادهای دادرسی مستقل در کشور ایجاد شود که هر کس که در مقام دعوا یا مرافعه قرار می‌گیرد به آن مراجعه کند و امکان دسترسی به آن داشته باشد. (سوادکوهی فر، ۱۳۸۸: ۹۵-۶) دسترسی به دادگاه‌های مستقل و بی طرف در اسناد بین‌المللی حقوق بشر از جمله میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی (بند ۱ ماده ۱۴) به رسمیت شناخته شده است. یکی از نشانه‌های بی طرفی و استقلال دادگاه این است که به موجب قانون تشکیل گردد. (ماده ۱۴ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی سیاسی و ماده ۶ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر) قوه قضاییه به عنوان ضامن برقراری عدل و مرجع تظلم‌خواهی عنصر مهمی در حمایت و پشتیبانی از حقوق و آزادی‌های مردم یک جامعه تلقی می‌گردد. نحوه نصب دادرسان، غیرقابل عزل و انتقال بودن آن‌ها و اعتبار آراء قضایی صادره از سوی آن حکایت از استقلال قوه قضاییه دارد. (عباسی، ۱۳۹۰: ۲۲۹) همچنین به موجب نظر دادگاه اروپایی حقوق بشر، در بررسی استقلال قضات باید به نحوه انتصاب آن‌ها و وجود تضمیناتی در مقابل فشارهای خارجی توجه کرد. (آندرآساکوچی، ۱۳۸۱: ۲۲) قرآن کریم نیز بر اجرای عدل و احسان^۸ و داوری توأم با عدالت^۹ تأکید دارد که تحقق این امر منوط به وجود

مرجع‌ی مستقل و بی طرف است. در این میان از نگاه اسلام در کنار علم قاضی، معرفت باطنی نیز برای دادرسی لازم است که این امر سبب صدور حکم واقعی و برقراری عدالت خواهد شد. به این ترتیب لازم است قاضی به استقلال درون نیز نایل گردد و این امر منوط به قداست روانی و طهارت روحی است. قاضی در صورتی که نتواند به استقلال درونی دست یابد نمی‌تواند در کار خود توفیقی تحصیل نماید. (جوادی آملی، ۱۳۹۰: ۱۷۲-۳) در اسلام صرف وجود دادگاه مستقل دلیل بر وجود استقلال قاضی نخواهد بود، بلکه چنین استقلال ظاهری و بیرونی منوط به استقلال درونی است و کسی می‌تواند در برابر تطمیع و تهدید دیگران، استقلال رأی خود را حفظ نماید که به استقلال درون رسیده باشد و دارای نوعی ثبات شخصیت باشد. (جوادی آملی، ۱۳۹۰: ۱۷۵). همچنین روایت متعددی نیز در باب لزوم رعایت بی طرفی در امر قضاوت وجود دارد. از آن موارد روایتی است که صدوق به سند خویش از امام رضا علیه السلام از پدران خویش، از علی علیه السلام روایت نمود که گفت: پیامبر خدا (ص) مرا به یمن اعزام نمود، فرمود: «آنگاه که محاکمه به نزد تو آوردند به نفع هیچیک از دو طرف حکم مکن مگر این که از دیگری مسئله را جويا شوی. آنگاه امیرالمومنین علیه السلام فرمود: پس از آن هیچگاه من در قضاوت تردید نکردم». (منتظری، ۱۳۷۹: ۳۰۹)

۴-۱-۳. برابری امکانات دفاع (تساوی سلاح‌ها)

تساوی سلاح‌ها حکایت از برابری طرفین دعوا در برخورداری از امکانات مساوی جهت دفاع از خود دارد که به موجب آن طرفین باید از حداقل‌های حقوقی برخوردار باشند از جمله این که به طور یکسان به اسناد و مدارک پرونده دسترسی داشته باشند و از فرصت اعتراض برابر به ادله طرف دیگر برخوردار باشند. لازمه اعمال این حق نیز، تکلیف دادگاه برای استماع مدعی و ارائه فرصت‌های لازم به وی می‌باشد. (قاری سید فاطمی، ۱۳۸۸، ۱: ۲-۸۰) این اصل به ویژه در جایی که یک طرف آن نماینده قدرت عمومی یعنی دادستان است، اهمیت دارد و سبب می‌شود عامل قدرت مانعی بر سر راه تحقق عدالت نگردد. (رستمی و دیگران، ۱۳۸۸: ۹۳) اصل تساوی سلاح‌ها یا برابری امکانات دفاع ناشی از حق دفاع است و برای اولین بار توسط کمیسیون اروپایی در نظریه مورخ ۳ ژوئن ۱۹۵۹ و در رای مورخ ۲۷ ژوئن ۱۹۶۸ دادگاه اروپایی حقوق بشر در دعوی لومیستر به کار برده شده است. (عباسی، ۱۳۹۰: ۲۳۵) به این ترتیب لازم است طرفین دعوی کیفی و حقوقی فرصت برابر برای ارائه دعوی خود و همچنین جرح و تعدیل شهود در تمام مراحل را داشته باشند. (Synmonides, 2000: 85) در اسلام قاضی

باید امکان دفاع برابر را در اختیار طرفین اختلاف قرار دهد. سکونی از امام صادق علیه السلام روایت نموده که فرمود: «امیرالمومنین علی علیه السلام می فرمود: «کسی که در مسند خطیر قضاوت نشست باید بین طرفین دعوی در اشاره و نگاه و جایگاه نشستن، تساوی را مراعات کند». (منتظری، ۱۳۷۹: ۳۱۰)

۴-۱-۴. اصل تقابل یا تناظر

دو طرفه بودن دفاع و امکان اعتراض به دفاع هر یک از طرفین توسط دیگری از عناصر لازم یک دادرسی عادلانه است. (بند ۳ ماده ۱۴ میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی) این امر در دادرسی کیفری مستلزم اطلاع متهم از نوع و علل اتهام به طور قانونی و در اختیار داشتن فرصت کافی جهت تمهید دفاع است. (عباسی، ۱۳۹۰: ۲۳۵) همچنین از پیامبر خدا (ص) نقل شده است که دو طرف نزاع باید در کنار هم رو به روی قاضی بنشینند. این موضوع بیانگر اهمیت وجود امکان دفاع برابر برای طرفین اختلاف از دیدگاه اسلام است. (منتظری، ۱۳۷۹: ۳۱۳)

۴-۱-۵. حق رسیدگی حضوری و علنی

حق رسیدگی حضوری به موجب استماع دعوا و تقدیم دفاعیه محقق می گردد و این که رسیدگی حاکم به طور علنی صورت پذیرد. علنی بودن رسیدگی ها به معنای امکان حضور و اطلاع عامه مردم در فرآیند دادرسی است و این اصل ناظر بر کل فرآیند دادرسی اعم از مراحل رسیدگی و صدور احکام می باشد. البته این حق مطلق نیست، بلکه قابل تحدید است و به دلایل اخلاقی، نظم عمومی، امنیت ملی، اقتضائات و منافع و مصالح زندگی خصوصی افراد از جمله عوامل تحدید کننده حق علنی بودن رسیدگی ها است. (Synmonides, op.cit:85) تشخیص ضرورت غیر علنی بودن جلسات رسیدگی به عهده دادگاه است. (Reid, 2004: 9) در اسلام نیز ضرورت رسیدگی علنی مشهود است و سیره قضاوت امامان معصوم به طور خاص حضرت علی علیه السلام مؤید چنین امری است. قضاوت های ایشان در مسجد انجام می گرفت همچنین ایشان زمانی که شنیدند قاضی شریح در خانه قضاوت می نماید به وی دستور دادند که «ای شریح (برای قضاوت) در مسجد بنشین، این امر میان مردم عادلانه تر است. برای قاضی سبک است که در خانه اش قضاوت کند». (موسوی بجنوردی، ۱۳۹۱: ۹) این روایت حاکی از آن است که امامان معصوم نیز بر ضرورت رسیدگی حضوری و علنی محاکمات تأکید داشته اند و به برگزاری قضاوت های علنی سفارش می نمودند. (موسوی بجنوردی، ۱۳۹۱: ۹)

۴-۱-۶. حق تجدیدنظر خواهی

چنین حقی امکان حمایت از افراد در برابر اشتباهات قضایی را فراهم خواهد کرد. به موجب بند ۵ ماده ۱۴ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی در هر نوع دادرسی اعم از حقوقی، کیفری و اداری محکوم‌علیه حق دارد که محکومیت وی در دادگاه عالی مطابق قانون بازنگری شود.^{۱۰} حق تجدیدنظر خواهی و امکان نقض حکم در اسلام نیز مورد پذیرش قرار گرفته است. از حضرت علی علیه السلام روایت شده است که «هر گاه قاضی به خطا بودن حکم خود پی ببرد، قضاوت خود را مردود می‌کند یا قضاوتش مردود می‌شود» (موسوی بجنوردی، ۱۳۹۱: ۱۳) به این ترتیب اگر محکوم علیه نزد قاضی علیه قاضی دیگر اقامه دعوا نماید و ادعا کند که حکم قاضی اول ناعادلانه بوده بر قاضی موخر واجب است که در حکم قاضی مورد شکایت تجدیدنظر نماید. (محمدی گیلانی، پیشین: ۸۰)

۴-۱-۷. حق رسیدگی در مهلت معقول

این حق مستلزم رعایت سرعت لازم و بدون تاخیر ناموجه در رسیدگی است. تشخیص نامعقول بودن مهلت رسیدگی به اوضاع و احوال هر پرونده بستگی دارد و معمولاً عناصر مورد توجه در نقض این حق و تشخیص عادلانه یا غیرعادلانه بودن مهلت رسیدگی به پرونده شامل مقررات قانون‌گذاری ملی، پیچیدگی‌های نظام‌های حقوقی، پیچیدگی‌های هر پرونده و فنی بودن برخی دعاوی، عدم سازماندهی صحیح و مناسب دادگستری، لزوم دخالت مراجع قضایی یا اداری متعدد در جریان رسیدگی و عدم وجود نیروی تخصصی مناسب، رفتار متهم و رفتار مقامات ذیصلاح می‌باشند. (Leach, 2005: 398-9) این حق در اسناد حقوق بشری از جمله جزء ج بند ۳ ماده ۱۴ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی با عنوان محاکمه بدون تاخیر غیرموجه و همچنین بند ۱ ماده ۶ کنوانسیون اروپایی با مضمون رسیدگی در مهلت معقول و بند ۱ ماده ۸ کنوانسیون آمریکایی با ذکر عنوان مدت معقول به رسمیت شناخته شده است. سرعت عمل در قضاوت و جلوگیری از فوت وقت از جمله مهم‌ترین ویژگی‌های عدالت قضایی امام علی علیه السلام به شمار می‌رود. این موضوع در قضاوت‌های ایشان نمایان است. ایشان فرموده‌اند «در اجرای حدود هیچ مهلتی روا نیست» و همواره به قضات فرمان می‌داد که در دادخواهی تاخیر ننمایند. همچنین ایشان سهل‌انگاری و فوت وقت در دادرسی را موجب تضییع حقوق طرفین دعوی می‌دانستند. امیرالمؤمنین علی علیه‌السلام فرمودند از پیامبر (ص) شنیدم

که فرمود: امروز و فردا کردن مسلمانان توانگر نسبت به پرداخت حقوق مردم، ظلم به مسلمانان است» (موسوی بجنوردی، ۱۳۹۱: ۱۰)

۴-۲. تضمینات ناظر بر دعاوی کیفری

اصل برائت، تفهیم اتهام، اخذ وکیل، داشتن مترجم، قانونی بودن بازداشت و منع خودسرانه بازداشت، حق سکوت، حق جبران خسارات برای عدم اجرای عدالت و ممنوعیت مجازات مضاعف از جمله حق‌های موجود در فرآیند رسیدگی به دعاوی کیفری است که متهم از آن‌ها برخوردار است.

۴-۲-۱. اصل برائت

اصل بر بیگناهی هر فرد است مگر این‌که مجرمیت وی مطابق قانون در چارچوب یک دادرسی عادلانه در مرجع صالح اثبات گردد. این اصل قبل از دوران جدید تحت عنوان قاعده «درء الحدود بالشبهات» در نظام حقوقی اسلام ریشه داشته است. (رستمی و دیگران، ۱۳۸۸: ۹۷) همچنین این اصل در بند ۲ ماده ۱۴ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی به رسمیت شناخته شده است و به موجب آن هر کس به ارتکاب جرمی متهم شده باشد حق دارد بی‌گناه فرض شود تا این‌که مقصر بودن او بر طبق قانون محرز گردد. اصل برائت یکی از اصول مسلم اسلامی است نتیجه این اصل لزوم ارائه دلیل از سوی مدعی است. این اصل در دادرسی‌ها و قضاوت‌های حضرت علی علیه‌السلام نیز مورد توجه قرار گرفته است. به این ترتیب تا بینه بر گناهکاری متهم ارائه نگردد وی بی‌گناه فرض می‌شود. اهمیت چنین اصلی در این روایت روشن می‌گردد که روزی سه نفر نزد حضرت علی (ع) آمدند و علیه کسی شهادت به زنا دادند، حضرت به آن‌ها فرمود: گواه چهارم کجاست؟ گفتند هم اینک می‌رسد. امام فرمود ایشان را حد قذف بنزید. (موسوی بجنوردی، ۱۳۹۱: ۱۴)

۴-۲-۲. منع بازداشت خودسرانه

حق آزادی و امنیت شخصی افراد اقتضاء می‌کند بازداشت و دستگیری افراد جز به حکم قانون ممنوع گردد. برای حفظ حقوق افراد بازداشت شده باید تضمینات حداقلی را برای آن‌ها در نظر گرفت و به موجب آن هر کس دستگیر می‌شود باید در موقع دستگیر شدن از جهات آن مطلع شود و به وی تفهیم اتهام گردد. (بند ۲ ماده ۹ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی) و در اسرع وقت نزد مراجع قضایی قانونی حاضر گردد یا در مدت معقوله دادرسی یا آزاد شود. (بند ۳ ماده ۹ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی) فرد بازداشت

شده امکان تظلم‌خواهی دارد و دادگاه بدون تأخیر باید راجع به قانونی بودن بازداشت اظهار نظر کند. (بند ۴ ماده ۹ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی) هم‌چنین هر کس که به طور غیرقانونی دستگیر یا بازداشت می‌شود حق جبران خسارت خواهد داشت. (بند ۵ ماده ۹ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی) صدور قرار بازداشت موقت باید در اختیار مقام قضایی باشد در غیر این صورت بازداشت، خودسرانه است و عدم رعایت شرایط قانونی باید به بطلان قرار بازداشت و مجازات مقام صادر کننده منجر شود. زیرا بازداشت افراد نقض حق آزادی آنها است، بنابراین باید به موجب قانون و توسط مقام صلاحیت‌دار صورت گیرد. (صابر، ۱۳۸۸: ۱۴۹) رویکرد اسلام در خصوص منع بازداشت خودسرانه از عملکرد و قضاوت‌های حضرت علی علیه السلام قابل استنباط است حضرت علی (ع) تهمت و اتهام را مادامی که اثبات نشده مبنای حبس و بازداشت نمی‌دانستند. ایشان در پاسخ به یکی از یارانش مبنی بر این‌که چرا توطئه‌گران را حبس نمی‌کنند، فرمود:

«اگر به صرف اتهام کسی را زندان کنم، زندان‌ها پر می‌شود. من کسی را بر تهمت نمی‌گیرم و بر ظن و گمان عقوبت نمی‌کنم و تا خلاف ظاهر نشود، مقاتله و مقابله نمی‌کنم». (قوامی، ۱۳۷۹: ۱۸۱)

۴-۲-۳. حق برخورداری متهم از امکانات لازم برای دفاع

«حق دفاع متهم عبارت است از مجموع تضمینات قانونی و قضایی است که در سطح ملی، منطقه‌ای و یا بین‌المللی برای افرادی که در مظان ارتکاب بزه قرار می‌گیرند و در سراسر یک رسیدگی کیفری با هدف اتخاذ تصمیمی عادلانه به دور از اشتباهات قضایی، منظور گردیده است» (آشوری، ۱۳۷۲: ۴۰) حق دفاع این امکان را برای متهم فراهم می‌کند که بتواند پیش از محکوم شدن از خود دفاع کند. برای دفاع لازم است متهم از حق انتخاب وکیل برخوردار باشد. حق ارتباط و انتخاب وکیل شامل حق آگاهی متهم از وجود چنین حقی و برخورداری از مساعدت وکیل تسخیری و معاضدت قضایی رایگان می‌باشد. (قسمت ب و د بند ۳ ماده ۱۴ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی) به این ترتیب متهم می‌تواند برای ارائه دفاع شخصاً یا به وسیله وکیل منتخب خود در محاکمه حاضر شود و در صورتی که وکیل نداشته باشد حق داشتن یک وکیل به او اطلاع داده می‌شود و در صورت عجز از پرداخت حق الوکاله از وکیل معاضدتی استفاده خواهد کرد. هم‌چنین در صورتی که متهم به زبانی که در دادگاه تکلم می‌شود، آشنا نیست می‌تواند از خدمات رایگان مترجم استفاده نماید و تمام اوراق و مدارک مضبوط در پرونده به طور کامل ترجمه شود. (رستمی و دیگران، ۱۳۸۸: ۹۹)

۴-۲-۴. حق جرح و تعدیل شهود

حق جرح و تعدیل شهود شامل حق احضار و سوال از شهود است. متهم می‌تواند شخصا یا توسط وکیل خود از شهود علیه خود سوال کند و همچنین درخواست حضور و سوال از شهود له خود را نیز بنماید. (قسمت ه بند ۳ ماده ۱۴ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی) (صابر، ۱۳۸۸: ۱۵۴) در اسلام زمانی که شهود از جمله دلایل اثبات دعوا باشد امکان سوال از شهود برای مدعی وجود دارد و اگر شهود واجد شرایط نباشند شهادتشان معتبر نمی‌باشد. همچنین مدعی علیه نیز در یک مهلت متعارف امکان جرح شهود را خواهد داشت. (محمدی گیلانی، ۱۳۶۲: ۷-۱۲۶)

۴-۲-۵. حق سکوت

حق سکوت مستلزم عدم اجبار متهم به شهادت یا اقرار به گناه است زیرا متهم در اعلام حقایق به مقامات قضایی هیچ وظیفه‌ای ندارد، بلکه دادستان خود ملزم است برای اثبات اتهام وارده ادله کافی جمع‌آوری کند و نباید سکوت را قرینه‌ای علیه متهم و در اثبات مجرمیت او دانست. این حق با اصل منع شکنجه برای اخذ اقرار ارتباط می‌یابد. (صابر، ۱۳۸۸: ۱۵۵) در دادرسی اسلامی سکوت مدعی علیه دارای فروضی است که هر یک در بردارنده حکمی جداگانه می‌باشد. دادرس باید در خصوص جهت سکوت مدعی علیه تحقیق نماید؛ زیرا ممکن است سکوت وی ناشی از گنگ بودن، از روی عناد، از روی ترس یا به دلیل مواجهه با خصم باشد و حتی ممکن است سکوت وی علتی جز توقف امور دادرسی نداشته باشد. در موارد فوق دادرس به هر طریق ممکن که می‌تواند باید وی را متوجه نماید تا پاسخ دهد. در صورتی که مدعی علیه در پاسخ از جملاتی نظیر «نمی‌دانم» یا «به استحقاق مدعی عالم نیستم» استفاده نماید دادرس باید وی را در شمار منکرین تلقی نماید و احکام منکر را بر وی مترتب نماید. (سنگلجی، ۱۳۶۹: ۲۰-۱۱۹)

۴-۲-۶. حق جبران خسارات برای عدم اجرای عدالت

به موجب بند ۶ ماده ۱۴ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، در صورتی که محکومیت خود در نتیجه اشتباه قضایی باشد و فرد به خاطر اشتباه قضایی محکوم و متحمل مجازات شده باشد مستحق است که خسارت او طبق قانون جبران گردد، مگر این که ثابت شود که عدم افشاء به موقع حقیقت مکتوم به صورت کلی یا جزیی منتسب به خود او بوده است. (مجموعه اسناد جهانی، ۱۳۸۱: ۹۹) به موجب قاعده لاضرر کسی نباید اعمال حق خود را وسیله اضرار به غیر قرار دهد در صورت ورود ضرر باید در صد

جبران آن برآید. ضرر به معنای از دست دادن چیزی است که انسان آن را دارا است اعم از این که مال، جوارح، عرض یا آبرو باشد. (بهرامی احمدی، ۱۳۸۸: ۲۵۶)

۴-۲-۷. منع مجازات مضاعف

عدالت و موازین اخلاقی و حقوقی اقتضاء می‌کند کسی که مرتکب تخلف یا جرمی شده باشد برای عمل ارتكابی یکبار مورد محاکمه و مجازات قرار گیرد. خواه این مجازات خارج از قلمرو کشور متبوع مجرم یا متخلف و خواه داخل قلمرو آن اعمال شده باشد. این اصل با اصل اعتبار آراء قضایی و امر قضاوت شده نیز سازگاری دارد. (عباسی، ۱۳۹۰: ۲۴۷) ممنوعیت مجازات مضاعف در اسناد حقوق بشری به رسمیت شناخته شده است. با این مضمون که هیچ کس را نمی‌توان برای جرمی که به علت اتهام آن به موجب حکم قطعی صادره طبق آیین دادرسی کیفری هر کشوری محکوم یا تبرئه شده است، مجدداً مورد تعقیب و مجازات قرار داد. (بند ۷ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی) البته امکان محاکمات بعدی برای جرایم متمایز یا محاکمه در حوزه قضایی دیگر وجود دارد و این امر نقض اصل ممنوعیت مجازات مضاعف نیست. (طه و دیگران، ۱۳۸۶: ۱۶۶)

۵. دادرسی عادلانه در نظام حقوقی ایران

حکومت ایران، جمهوری اسلامی است که بر اساس اعتقاد دیرینه ملت ایران به حکومت حق و عدل قرآن در پی انقلاب اسلامی و با رای مردم رسمیت یافت. تدوین قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مهم‌ترین گام برای استقرار حاکمیت قانون پس از انقلاب اسلامی بوده است. رفع تبعیضات ناروا و ایجاد امکانات عادلانه برای همه، در تمام زمینه‌های مادی و معنوی از جمله مهم‌ترین وظایف دولت جمهوری اسلامی ایران معرفی شده است همچنین تأمین حقوق همه‌جانبه افراد اعم از زن و مرد و تضمین امنیت قضایی عادلانه برای همه و تساوی عموم در برابر قانون از وظایف جمهوری اسلامی ایران است. (اصل ۳ قانون اساسی) قوانین عادی نیز بر اساس موازین اسلامی اصول دادرسی عادلانه را به رسمیت شناخته‌اند. هر چند در قوانین و مقررات داخلی ایران واژه دادرسی عادلانه تصریح نشده است لیکن اصول مختلف آن و تضمینات عمومی و کیفری دادرسی با نگاه اسلامی در قانون اساسی و قوانین و مقررات عادی مورد تصریح قرار گرفته است. ضمانت اجرای تضمین اصول مربوط به دادرسی عادلانه مقرر در قانون اساسی در قوانین عادی مشخص شده است.

۵-۱. دادرسی عادلانه در قانون اساسی

مطابق اصل ۳۴ قانون اساسی «دادخواهی حق مسلم هر فرد است و هر کس می‌تواند به منظور دادخواهی به دادگاه‌های صالح رجوع نماید. همه افراد ملت حق دارند این‌گونه دادگاه‌ها را در دسترس داشته باشند و هیچ‌کس را نمی‌توان از دادگاهی که به موجب قانون حق مراجعه به آن را دارد، منع کرد». لذا دولت موظف است دادگاه‌های صالح که در دسترس مردم باشند، تشکیل دهد. وظیفه اجرای اعمال دادخواهی به قوه قضاییه سپرده شده است تا داد مظلوم را از ظالم بستاند. به موجب اصل ۱۵۶، قوه قضاییه به عنوان قوه‌ای مستقل، پشتیبان حقوق فردی و اجتماعی و مسئول تحقق بخشیدن به عدالت معرفی شده است و عهده‌دار وظایفی نظیر رسیدگی و صدور حکم در مورد تظلمات، تعدیات، شکایات، حل و فصل دعاوی و رفع خصومات، احیای حقوق عامه و گسترش عدل و آزادی‌های مشروع دانسته شده است. (اصل ۱۵۶) مرجع رسمی تظلمات و شکایت دادگستری است و تشکیل دادگاه‌ها و تعیین صلاحیت آن‌ها منوط به حکم قانون است. (اصل ۱۵۹) همچنین قانونی بودن دادگاه‌ها (اصل ۱۵۹) و هیأت منصفه (اصل ۱۶۸) به موجب قانون اساسی مورد تأکید قرار گرفته است و اصل ۱۶۴ قانون اساسی ۱۱ استقلال شغلی قضات را تعیین کرده است.

دیگر تضمینات دادرسی عادلانه مقرر در قانون اساسی عبارت است از علنی بودن محاکمات (اصل ۱۶۵)، قانونی بودن حکم قضات (اصول ۱۶۶ و ۱۶۷)، قانونی بودن جرم و مجازات (قبح عقاب بلایان) (اصل ۱۶۹)، تساوی حقوق همه مردم ایران و عدم هرگونه تبعیض ناروا (اصل ۱۹ و بند ۹ اصل ۳)، برابری همه مردم ایران در برابر قانون (اصل ۲۰)، قانونی بودن جلب و بازداشت خودسرانه و حق متهم در تفهیم اتهام و محاکمه در اسرع وقت (اصل ۳۲)، حق داشتن وکیل (اصل ۳۵)، اصل براءت (اصل ۳۷)، منع شکنجه برای اخذ اقرار و حمایت از حیثیت و کرامت ذاتی انسان (اصول ۳۹ و ۳۸). همچنین به موجب قانون اساسی حکم به مجازات و اجرای آن باید تنها از طریق دادگاه صالح و به موجب قانون باشد (اصل ۳۶) و احکام دادگاه‌ها باید مستدل، مستند به قانون و اصولی باشد که بر اساس آن حکم صادر شده است. (اصل ۱۶۶) جبران خسارات نیز در صورت تقصیر یا اشتباه قاضی مورد تأکید قرار گرفته است. (اصل ۱۷۱)

۵-۲. دادرسی عادلانه در سایر قوانین موضوعه

در قوانین عادی شرایط و نحوه تضمین اصول دادرسی عادلانه و ضمانت اجرای کوتاهی مقامات قضایی در اجرای وظایف خود مشخص شده است. (ماده ۷ قانون آیین دادرسی کیفری) همچنین قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۹۳ در بردارنده اصول متعدد دادرسی عادلانه است. همچنین بی طرفی و استقلال کامل مراجع قضایی (ماده ۳ قانون آیین دادرسی کیفری) اصل برائت و رعایت حریم خصوصی (ماده ۴ قانون آ.د.ک) تفهیم اتهام و اطلاع از حق دسترسی به وکیل (ماده ۵ قانون آ.د.ک) از جمله این اصول می باشد. به منظور آگاهی مردم نسبت به دادرسی عادلانه و نظارت آن‌ها بر چگونگی دادرسی صحیح در نظام قضایی ایران، محاکمات علنی است. اصل علنی بودن محاکمات از طریق ورود استثنائاتی تخصیص خورده است و به تشخیص دادگاه پس از اظهار عقیده دادستان در اعمال منافی عفت و جرایمی که بر خلاف اخلاق حسنه است، امور خانوادگی یا دعوی قابل گذشت به درخواست طرفین و زمانی که علنی بودن محاکمه مخل امنیت یا احساسات مذهبی باشد، محاکمه غیر علنی خواهد بود. (ماده ۳۵۲ قانون آیین دادرسی کیفری) منظور از علنی بودن محاکمه، عدم ایجاد مانع جهت حضور افراد در جلسات رسیدگی است. خبرنگاران و رسانه‌ها می توانند با حضور در دادگاه از جریان رسیدگی گزارش مکتوب تهیه کرده و بدون ذکر نام یا مشخصاتی که معرف هویت فردی یا موقعیت اداری و اجتماعی شاکی و مشتکی عنه باشد منتشر نمایند. (ماده ۳۵۳ قانون آیین دادرسی کیفری)

به موجب ماده ۱۹۰ قانون آیین دادرسی کیفری جدید «متهم می تواند در مرحله تحقیقات مقدماتی، یک نفر وکیل دادگستری همراه خود داشته باشد. این حق باید پیش از شروع تحقیق توسط بازپرس به متهم ابلاغ و تفهیم شود. چنانچه متهم احضار شود این حق در برگه احضار به قید و به او ابلاغ می شود. وکیل متهم می تواند با کسب اطلاع از اتهام و دلایل آن، مطالبی را که برای کشف حقیقت و دفاع از متهم یا اجرای قانون لازم بداند، اظهار کند. اظهارات وکیل در صورت مجلس نوشته می شود». ضمانت اجرای عدم رعایت این حق، بی اعتباری تحقیقات است. (تبصره ۱ ماده ۱۹۰ قانون آ.د.ک) در کلیه امور کیفری طرفین دعوا می توانند وکیل یا وکلای مدافع خود را معرفی نمایند (ماده ۳۴۶ قانون آ.د.ک)، متهم می تواند از دادگاه درخواست تعیین وکیل نماید و دادگاه در صورت تشخیص عدم توانایی متهم برای تعیین وکیل، برای وی وکیل تعیین خواهد کرد (ماده ۳۴۷ قانون آ.د.ک). در جرایمی که مجازات آن‌ها به موجب قانون سلب حیات، حبس

ابد، قطع عضو و جنایت عمدی علیه تمامیت جسمانی با میزان ثلث دیه کامل یا بیش از آن است و جرایم موجب مجازات تعزیری درجه چهار و بالاتر چنانچه متهم شخصاً وکیل معرفی ننماید وکیل تسخیری الزاماً برای او تعیین خواهد شد. (ماده ۳۴۸ قانون آ.د.ک). قانونی بودن بازداشت و منع بازداشت خودسرانه (ماده ۲۳۹ قانون آ.د.ک) و تجدیدنظر در احکام (ماده ۴۲۷ قانون آ.د.ک) نیز موارد دیگری هستند در قانون آیین دادرسی کیفری جدید در حوزه دادرسی عادلانه پیش‌بینی شده است.

همچنین در قانون مجازات اسلامی، کتاب پنجم تعزیرات فصل دهم، ضمانت اجرای تقصیرات مقامات و مامورین دولتی، امتناع از انجام وظایف قانونی و هتک حرمت اشخاص و سلب حقوق مقرر در قانونی اساسی جمهوری اسلامی ایران تعیین و تصریح شده است. ممنوعیت سلب آزادی افراد ملت و سلب حقوق مقرر در قانون اساسی (ماده ۵۷۰)، استماع شکایت و تظلم‌خواهی نزد مراجع ذیصلاح (ماده ۵۷۲)، ممنوعیت شکنجه و اذیت و آزار بدنی متهمین (ماده ۵۷۸)، صدور حکم به موجب قانون و ضمانت اجرای امتناع قاضی از صدور حکم یا تأخیر وی از صدور حکم بر خلاف قانون (ماده ۵۹۷)، قانونی بودن جرایم، مجازات‌ها و دادرسی کیفری (مواد ۱۲ و ۱۳)، عطف به ماسبق نشدن قوانین (ماده ۱۰) نیز موارد دیگر قابل ذکر در قانون مجازات اسلامی در حوزه دادرسی عادلانه است. آیین‌نامه قانون و مقررات اجرایی سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور مصوب ۱۳۷۲ و اصلاحی سال ۱۳۸۴ قوه قضاییه نیز شکنجه و رفتارهای غیر انسانی را ممنوع نموده و برای مرتکبین مجازات تعیین کرده است.

مطابق بند ۱۰ ماده واحده قانون احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی، تحقیقات و بازجویی‌ها باید مبتنی بر اصول و شیوه‌های علمی و قانونی باشد و آموزش‌های قبلی و نظارت لازم صورت گیرد و با کسانی که ترتیبات و مقررات را نادیده گرفته‌اند و در اجرای وظایف خود به روش‌های خلاف قانون متوسل شده‌اند، بر اساس قانون برخورد جدی صورت می‌گیرد. همچنین منع اتهام‌سازی واهی، دستگیری‌ها و بازداشت‌های فراقانونی و خودسرانه (بند ۱)، منع خشونت، اذیت و آزار و شکنجه (بندهای ۶ و ۱۰) در این قانون مورد تأکید قرار گرفته است. در بند ۳ قانون مذکور نیز بر ضرورت حضور وکیل در کلیه مراحل رسیدگی و رعایت حق بهره‌مندی از وکیل توسط محاکم و دادسراها تأکید شده است. محاکم و دادسراها مکلفند حق دفاع متهمان و مشتکی‌عنهم را رعایت کرده و فرصت استفاده از وکیل و کارشناس را برای آنان فراهم آورند.

نتیجه‌گیری

حق دادرسی عادلانه مشتمل بر مجموعه اصول و قواعدی است که در انواع دعاوی، نحوه رفتار با یک فرد را در برابر دادگاه در مراحل مختلف آن مشخص می‌کند. شناسایی این اصول لازمه اجرای عدالت و اصل برابری انسان‌ها در برابر قانون است و همچنین با اصل تفکیک قوا، استقلال قوه قضاییه و حاکمیت قانون ارتباط دارد. اهمیت امر دادرسی و قضاوت در اسلام آنجا مشخص می‌گردد که پروردگار متعال داوری و قضاوت واقعی را از آن خود دانسته است و این امر خطیر را در روی زمین به پیامبران و جانشینان آنها واگذارده است. در اسلام نفوذ حکم و حکومت از آن خدا است چرا که هیچ‌کس بر کسی تسلط و حق حکومت ندارد مگر با اذن خداوند متعال، نفوذ حکم و حکومت انبیاء و اوصیاء با اذن حق تعالی است و نفوذ حکم قضات جامع شرایط نیز با فرمان انبیاء و اوصیاء است. (محمودی گیلانی، ۱۳۷۸: ۴۱) این درحالی است که به رغم تأکید اسلام بر اهمیت دادرسی، در طول تاریخ با محاکمات و داوری‌هایی مواجه می‌شویم که یا از قوانین و مقررات ظالمانه و ضد انسانی الهام گرفته یا خواست و اراده حاکم با عبارت «اراده ما بر این است...» معیار قضاوت‌ها قرار می‌گرفت. به عنوان نمونه در تواریخ قرون وسطی، عادات و رسوم متداول، مبتنی بر قوانین مشخص نبود و با اصول اخلاقی و انسانی سازگاری نداشت و به دلیل فقدان قانونی واحد، محاکمات با نظر قاضی انجام می‌شد. (حجتی کرمانی، ۱۳۷۷: ۲۰-۱۹) تاریخ ایران حاکی از اهمیت قانون در این سرزمین بوده است و دین در نهادهای حقوقی موجود تأثیر فوق‌العاده داشته است تا جایی که منشا و مأخذ حقوق ایران، اسلام گردیده است. دین اسلام از آغاز ظهور بیش از هر دین دیگر و بیش از هر مکتب دیگر رعایت اصول دادرسی عادلانه را لازم دانسته است. نظام حقوقی ایران نیز به تاسی از دین مبین اسلام دادرسی عادلانه را به رسمیت شناخته و اصول آن را برشمرده است.

اگرچه دادرسی عادلانه و تضمینات قضایی کم و بیش از دیرباز در نظام‌های حقوقی کشورهای مختلف پیش‌بینی شده است اما در پی گسترش حقوق بشر و تأکید بر ارتقاء و تضمین انواع حقوق بشر، پیش‌بینی و رعایت دادرسی عادلانه به عنوان حق بشری مورد تأکید مجدد قرار گرفت و بعد از تصویب اعلامیه جهانی حقوق بشر مصوب ۱۹۴۸ در اسناد مختلف جهانی و منطقه‌ای حقوق بشر به رسمیت شناخته شد و دولت‌ها متعهد گردیدند اجرای آن را تضمین نمایند. به این ترتیب تضمین حق بر دادرسی عادلانه در نظام‌های حقوقی داخلی و همچنین از طریق مکانیزم‌های بین‌المللی مورد

توجه قرار گرفته است. زمانی می‌توان ادعا نمود حق دادرسی عادلانه تضمین شده است که قوانین مختلف داخلی اصول مختلف دادرسی عادلانه از جمله استقلال دادگاه‌ها و قضات و بی‌طرفی آن‌ها، علنی بودن جلسات رسیدگی، دسترسی برابر همگان به مراجع قضایی ذی‌صلاح، اصل برائت، حق دفاع، تفهیم اتهام، حق اخذ وکیل و حق بر خدمات حقوقی و مترجم رایگان و... را مورد شناسایی قرار داده و اجرای آن‌ها را تضمین کنند. رعایت اصول دادرسی عادلانه هم‌چنین مستلزم این است که بازجویی و فرآیند دادرسی پرونده‌های موجود با رعایت حقوق مظنون و قربانی صورت گیرد. کنترل و نظارت بر اقدامات دادرسی را زمینه را برای اجرای واقعی و مؤثر اصول دادرسی عادلانه فراهم خواهد کرد و سبب تقویت باور برابری همگان در مقابل قانون خواهد شد، زیرا در نتیجه چنین نظارتی است که می‌توان انتظار داشت تخلفات انضباطی دادستان‌ها یا قضات و دیگر اشخاص ذی‌ربط بر اساس مقررات قانونی مورد رسیدگی قرار گیرد.

در وضعیت کنونی نظام حقوقی ایران به رغم پذیرش اصول دادرسی عادلانه در قانون اساسی و قوانین عادی، تعریف صریحی از این مفهوم ارائه نشده است و تعریف آن با شناسایی اصول دادرسی عادلانه روشن گردیده است. البته عدم ارائه تعریف برای حق، بر دادرسی عادلانه در اسناد بین‌المللی حقوق بشر نیز به چشم می‌خورد و ذکر مصادیق و اصول دادرسی عادلانه است که به این مفهوم عینیت بخشیده است. پذیرش و تأکید بر اجرای دادرسی عادلانه در نظام حقوقی ایران حکایت از حاکمیت قانون و استقلال قضات و تفکیک قوا دارد. تصویب قانون آیین دادرسی کیفری جدید نیز از تحولات مثبت در خصوص پیش‌بینی و تأکید بر اصول دادرسی عادلانه محسوب می‌گردد. از ماده ۱۲۸ قانون آیین دادرسی کیفری قدیم و بند «۷» جزء «ز» ماده ۱۳۰ قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران بر می‌آید که وکیل در مرحله تحقیقات مقدماتی حق دخالت در امر تحقیق را ندارد و پس از خاتمه تحقیقات می‌تواند مطالبی را که برای کشف حقیقت و یا دفاع از متهم یا اجرای قانون لازم بداند به قاضی یا بازپرس اعلام نماید. همچنین حضور وکیل در دادرسی و دادگاه منوط به اجازه دادگاه شده بود. البته قانون احترام به آزادی‌های مشروع و حقوق شهروندی مصوب ۱۳۸۳ سعی در قبول حضور غیرمشروط وکیل در مرحله تحقیقات داشته است، که متعاقباً با تصویب بند «۷» جزء «ز» ماده ۱۳۰ قانون برنامه چهارم توسعه و افزودن قیودی چون محرمانه بودن و فسادانگیز بودن حضور غیر متهم حتی وکیل، در برخی موارد راه را برای حضور وکیل مسدود نموده بود.

لیکن به موجب قانون آیین دادرسی کیفری جدید متهم باید در اسرع وقت به تفصیل از موضوع و ادله انتسابی آگاه و از حق دسترسی به وکیل بهره‌مند شود. همچنین متهم می‌تواند در مرحله تحقیقات مقدماتی یک نفر وکیل دادگستری همراه خود داشته باشد. این حق باید پیش از شروع تحقیق توسط بازپرس به متهم ابلاغ و تفهیم شود. چنانچه متهم احضار شده باشد این حق در برگ احضاریه قید و به او ابلاغ می‌شود. وکیل متهم می‌تواند پرونده را مطالعه و مطالبی را که برای کشف حقیقت و دفاع از متهم یا اجرای قانون لازم بداند، اظهار نماید. اظهارات وکیل در صورت جلسه درج می‌شود. (ماده ۱۹۰) همچنین در تبصره ماده مذکور قید شده است که سلب حق تعیین وکیل و یا عدم تفهیم این حق به متهم موجب بطلان تحقیقات می‌شود. تصویب قانون آیین دادرسی کیفری جدید توانسته گامی بلند در پیشبرد و ارتقای دادرسی عادلانه در نظام داخلی ایران محسوب گردد و خلأها و نواقص قبلی قوانین در این خصوص را مرتفع کند.



یادداشت‌ها

۱. ان الله يامر بالعدل والاحسان. (نحل / ۹۰)
۲. و اذا حكمتم بين الناس ان تحكموا بالعدل. (نساء / ۵۸)
۳. اعدلوا هو اقرب للتقوى. (مائده / ۸)
۴. لقد ارسلنا رسلنا بالبينت و انزلنا معهم الكتب و الميزان ليقوم الناس بالقسط و انزلنا الحديد فيه باس شديد و منافع للناس و ليعلم الله من ينصره و رسله بالغيب ان الله قوى عزيز (حديد/ ۲۵)
۵. يا ايها الناس اتقوا ربكم الذى خلقكم من نفس واحده و خلق منها زوجها (نساء / ۱)
۶. البته لازم به ذکر است که تفاوت‌های تکوینی زن و مرد منشأ یک سلسله تفاوت‌ها و اختلافات حقوقی در حوزه فردی و اجتماعی می‌گردد. (مصباح یزدی، ۱۳۸۸: ۲۰۳)
۷. «أنظر فى القضاء بين الناس نظرَ عارفٍ بمنزلةِ الحكم عند الله فإنَّ الحكم ميزان قسط الله الذى وضع فى الارض لِنصافِ المظلوم من الظالم و الأخذ للضعيف من القوى و إقامة حدود الله على سنتها و منهاجها التى لا يصلح العباد و البلاد الا عليها
۸. ان الله يامر بالعدل والاحسان. (نحل / ۹۰)
۹. و اذ حكمتم بين الناس ان تحكموا بالعدل. (نساء / ۵۸)
۱۰. این حق در سایر اسناد حقوق بشری نظیر ماده ۲ پروتکل شماره ۷ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر، قسمت ۸ بند ۱ ماده ۸ کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر و بند الف ماده ۷ منشور آفریقایی حقوق بشر و خلق‌ها به رسمیت شناخته شده است.
۱۱. اصل ۱۶۴ قانون اساسی (اصلاحی ۱۳۶۸): قاضی را نمی‌توان از مقامی که شاغل آن است بدون محاکمه و ثبوت جرم یا تخلفی که موجب انفصال است به طور موقت یا دائم منفصل کرد یا بدون رضای او محل خدمت یا سمتش را تغییر داد مگر به اقتضای مصلحت جامعه با تصمیم رییس قوه قضاییه پس از مشورت با رییس دیوان عالی کشور و دادستان کل. نقل و انتقال دوره‌ای قضات بر طبق ضوابط کلی که قانون تعیین می‌کند صورت می‌گیرد.

منابع

منابع فارسی، کتاب‌ها:

- قرآن مجید

- آشوری، محمد (۱۳۷۶)، «اصل برائت و آثار آن در امور کیفری (مطالعه تطبیقی)»، *عدالت کیفری، مجموعه مقالات*، انتشارات گنج دانش، چاپ اول.
- بسته‌نگار، محمد (۱۳۸۰)، *حقوق بشر از منظر اندیشمندان*، تهران: انتشار.
- بهرامی احمدی، حمید (۱۳۸۸)، *قواعد فقه*، تهران: دانشگاه امام صادق (ع).
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۹۰)، *ادب قضا در اسلام*، قم: اسراء.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۷۵)، *فلسفه حقوق بشر*، قم: اسراء.
- حائری شیرازی، محی‌الدین و دیگران (۱۳۹۰)، *رویکرد متعالی فقه اسلامی به حقوق بشر*، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).
- حجتی کرمانی، علی (۱۳۷۷)، *سیر قضاوت در ادوار مختلف تاریخ*، تهران: مؤسسه انتشارات مشعل دانشجو.
- دانش یزدی، مهدی و سایرین (۲۰۰۳-۱۳۸۱)، *حاکمیت قانون و محاکمه عادلانه*، سخنرانی‌های جمع‌آوری شده از دومین جلسه مذاکره دو جانبه در مورد حقوق بشر بین اتحادیه اروپا و ایران، بروکسل.
- رستمی، ولی و مسلم آقایی طوق، حسن لطفی (۱۳۸۸)، *دادرسی عادلانه در مراجع اختصاصی اداری ایران*، تهران: گرایش.

- ساکت، محمد حسین (۱۳۸۲)، *دادرسی در حقوق اسلامی*، تهران: میزان.

- سنگلجی، محمد (۱۳۶۹)، *آیین دادرسی در اسلام*، قزوین: انتشارات طه.

- عباسی، بیژن (۱۳۹۰)، *حقوق بشر و آزادی‌های بنیادین*، تهران: نشر دادگستر.

- (۱۳۸۶)، *عفو بین‌المللی، دادرسی عادلانه*، ترجمه: فریده طی و لیلا اشرفی، تهران: میزان.

- فضائی، مصطفی (۱۳۸۷)، *دادرسی عادلانه در محاکمات کیفری بین‌المللی*، تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهر دانش، چاپ دوم.

- قاری سید فاطمی، سید محمد (۱۳۸۸)، *حقوق بشر در جهان معاصر*، تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهر دانش، جلد ۱.

- (۱۳۸۱)، *مجموعه اسناد بین‌المللی حقوق بشر*، زیر نظر اردشیر امیر ارجمند، جلد اول، تهران: دانشگاه شهید بهشتی.

- (۱۳۸۸)، *مجموعه مقالات همایش حقوق شهروندی*، تهران: گرایش.

- محمدی گیلانی، محمد (۱۳۶۲)، *قضا و قضاوت در اسلام*، تهران: انتشارات المهدی.

- محمدی گیلانی، محمد (۱۳۷۸)، *قضا و قضاوت در اسلام*، تهران: انتشارات المهدی.

- مصباح یزدی، محمد تقی (۱۳۸۸)، *نگاهی گذرا به حقوق بشر از دیدگاه اسلام*، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).

- منتظری، حسینعلی (۱۳۷۹)، *مبانی فقهی حکومت اسلامی*، تهران: سرایی، جلد سوم.

- میرموسوی، سید علی؛ حقیقت، سید صادق (۱۳۹۱)، *مبانی حقوق بشر از دیدگاه اسلام و دیگر مکاتب*، تهران: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، چاپ یازدهم.

- هاشمی، سید محمد (۱۳۸۴)، *حقوق بشر و آزادی‌های اساسی*، تهران: نشر میزان، چاپ اول.

مقالات:

- تابنده، سلطانحسین، «اسلام و مواردی از اعلامیه حقوق بشر» در بسته‌نگار، محمد (۱۳۸۰)، *حقوق بشر از منظر اندیشمندان*، تهران: انتشار.

- ساکوچی، آندرا، «استقلال و بی‌طرفی قضات» در دانش یزدی، مهدی و سایرین (۲۰۰۳-۱۳۸۱)، *حاکمیت قانون و محاکمه عادلانه*، سخنرانی‌های جمع‌آوری شده از دومین جلسه مذاکره دو جانبه در مورد حقوق بشر بین اتحادیه اروپا و ایران، بروکسل.

- سوادکوهی فر، سام (۱۳۸۸)، «رابطه نظام دادرسی با حقوق شهروند»، در *مجموعه مقالات همایش حقوق شهروندی*، تهران: گرایش.

- صابر، محمود (۱۳۸۸)، «معیارها و تضمین‌های دادرسی عادلانه در مرحله تحقیقات مقدماتی»، *پژوهش‌های حقوق تطبیقی*، زمستان، شماره ۱۳.

- قوامی، سید صمصام‌الدین (۱۳۸۶)، *نظام قضایی امیر المومنان (ع)*، *فصلنامه حکومت اسلامی*، شماره ۱۸.

- مطهری، مرتضی، «حقوق مردم در نهج‌البلاغه»، در *بسته‌نگار*، محمد (۱۳۸۰)، *حقوق بشر از منظر اندیشمندان*، تهران: انتشار.

- موسوی بجنوردی، محمد؛ روحانی، سمیه (۱۳۹۱)، «شاخصه‌های عدالت قضایی از منظر امیرالمؤمنین علی (ع) با رویکردی بر آرای فقهی امام خمینی (ره)»، *پژوهشنامه متین*، بهار، شماره ۵۴.

قوانین:

- آیین‌نامه قانون و مقررات اجرایی سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور مصوب ۱۳۷۲ و اصلاحی سال ۱۳۸۴ قوه قضاییه.

- قانون آیین دادرسی کیفری.

- قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران.

- قانون حفظ حقوق و آزادی‌های مشروع شهروندان مصوب سال ۱۳۸۳.

- قانون مجازات اسلامی. پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

رتال جامع علوم انسانی

منابع انگلیسی

- Synmonides, Janusz (2000), *Human Rights: Concept and Standards*, UNESCO.

- Leach, Philip (2005), *Taking case to the European Court of Human convention on Human Rights*, Second Edition, Oxford University Press.

- Reid Karen (2004), *A Practitioners, Guide to The European Convention on Human Rights*, 2nd Edition, Sweet and Maxwell.